

بام خداوند محشایده و مهربان

پیام مجمع عمومی حزب وطن

به جلالتمآب بان کی مون سرمنشی سازمان ملل متحد

مؤرخ: 5 میزبان 1391

عالیقدر ، جلالتمآب بان کی مون سرمنشی سازمان ملل متحد !

اینک به اطلاع جناب عالی میرسانیم که مجمع عمومی حزب وطن ، بعد از توطئه سبوتاژ عملیه صلح ملل متحد در اپریل 1992 و کودتای نظامی علیه دوکتور نجیب الله رئیس جمهور آن وقت افغانستان و رهبر حزب وطن که به فروپاشی ساختار های این حزب نیز انجامید ، دایر و حضور مجدد این حزب بزرگ و با اعتبار را بار دیگر در وضعیت سیاسی افغانستان اعلام نمود . با توجه به ارادت گذشته این حزب به سازمان ملل ، بی جهت نیست که در نخستین لحظات این رویداد خجسته ، به جلالتمآب شما در مقام سرمنشی این سازمان با اعتبار جهانی مراجعه نموده ، ضمن اظهار آرزوی موفقیت های هرچه بزرگتر جناب شما برای تامین صلح و ثبات در دهکده جهانی مان میخواهیم ، با طرح برخی مسایل ضرور ، توجه جلالتمآب شما را به آن جلب نمائیم :

جلالتمآبا !

مجمع عمومی حزب وطن با انتخاب نسل جدید از کادر های واقعین در رهبری حزب ، تصویب مرانامه و اساسنامه جدید ، آن را درین مرحله از مبارزه ، یک بار دیگر به مثابه ساختار سیاسی معاصر ، مبرا از گرایشات ایدولوژیک ، انعطاف پذیر و مطابق به واقعیت های جامعه افغانی ، هویت بخشید . مبتنی بر مندرجات مرانامه جدید « حزب وطن با اتکا به مختصات جامعه افغانی ، وظایف اساسی خویش را در مرحله کنونی ، مبارزه بخاطر استقرار صلح واقعی و عادلانه ، اعمار مجدد ، انکشاف اقتصادی و اجتماعی وبمنظور ارتقای سطح رفاه مردم ، تامین پروسه قانونمند وحدت ملی ، گسترش و تعمیق دموکراسی قرار داده و در نهایت از پروسه ایجاد ، تحکیم ، گسترش و تعمیق ارزشهای جامعه رفاه در عرصه های زیستی ، اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی

حیات جامعه ، دفاع نموده از نقش ساختارهای جامعه مدنی به هدف تامین مشارکت آگاهانه مردم درین پروسه حمایت مینماید . «

همچنان مجمع عالی حزب ما ، بعد از بحث و بررسی مسیر انکشاف اوضاع افغانستان ، وضع کنونی کشور را پیچیده و بحرانی خوانده ، خاطر نشان ساخت که : «مبارزه با وضعیت پیچیده و بحران روبه تزايد کنونی کشور در بعد داخلی ، قبل از همه به تبارز اراده واحد ، مؤمن ، مستقل ، با القوه و بالفعل افغانی ضرورت دارد که مسوولیت سازماندهی ، سوق و اداره آگاهانه آن را توأم با خرد ورزی و هوشیاری سیاسی ، جبهه واحد ضد جنگ ، ضد مداخلات خارجی و عوامل نفوذی آنان در میان اپوزسیون مسلح ، اپوزسیون غیر مسلح و در ارگانهای قدرت و اداره مرکزی و محلی و برضد فساد اداری و نفوذ مافیایی در دستگاه دولتی ، به عهده بگیرد . این جبهه می باید شامل تمام نیروهای اجتماعی - سیاسی متعهد به اهداف فوق و موافق به پلاتفرم واحد ؛ اعم از احزاب ، سازمانهای اجتماعی ، شخصیت های مؤثر و صاحب نفوذ قومی ، روحانیون و علمای دینی ، دانشمندان و سایر شخصیت های محبوب و با اعتبار فرهنگی گردد که صلاحیت تمثیل و تعمیم اراده حد اکثر مردم افغانستان را داشته و تلاش نمایند تا مقاومت داوطلبانه مردمی را در محلات علیه عاملین جنگ و مفسد فوق الذکر سازماندهی ، سوق و رهبری نمایند . در صورت علاقمندی و تبارز حسن نیت ، بهتر خواهد بود تا سازمان ملل و نهاد های مدنی کشور های دخیل و علاقمند به صلح و ثبات در افغانستان از پروسه مورد نظر صرف حمایت سیاسی و اخلاقی بعمل آورند ، نه مالی . زیرا تجربه نشان داده است که منابع سخاوتمندانه و باد آورده مالی ، بنابر زمینه بد نامی ، نه علاقمندی داوطلبان مومن و معتقد به داعیه را ، بلکه تجمع کلاه برداران حرفوی نامؤثر و بی اعتبار را بار آورده ، تجرید و بی اعتبار شدن پروسه را باعث میگردد . درین صورت حزب وطن با درک مسوولیت تاریخی خویش حاضر است و آمادگی دارد تا نقش خویش را با ارایه طرح مشخص و کار عملی درین پروسه ایفا نماید . «

در عین حال مجمع عالی حزب وطن عقیده دارد که بعد خارجی معضله و بحران ، منابع تحریک و تمویل عوامل جنگ و بی ثباتی کشور ما ، در کشور های همسایه - بخصوص در پاکستان - در جمهوری اسلامی ایران ، ساختار های بین المللی ترورستی و مافیای بین المللی مواد مخدر ، قرار دارد . در صورت نبود این منابع ، ریشه های عوامل بحران خشکیده ، شاخ و پنجه نفوذی شان در اپوزسیون مسلح ، اپوزسیون غیر مسلح و در ارگانهای مرکزی و محلی قدرت و اداره دولتی افغانستان ، نمیتوانند به زندگی و فعالیت پردازند . ولی تا اکنون دولت افغانستان نه تنها نتوانسته و نمیتواند ، بلکه نخواسته و نمی خواهد علیه منابع فوق اقدام نماید و جامعه جهانی اعم از سازمان ملل و «ناتو» نیز اقدامات لازم را در ابعاد مختلف که بتوانند بعد خارجی تحریک و تمویل عوامل بحران را تحت فشار قرار دهد ، بروز نداده اند . مردم افغانستان و مجمع عمومی حزب وطن از سازمان ملل میخواهند تا مداخلات علنی نظامیان پاکستان و سازمان اطلاعات و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران را در امور داخلی افغانستان رسماً تقبیح و در قبال آن تصامیم مؤثر برای تحت فشار قرار دادن مداخله گران مذکور اتخاذ نمایند .

جلالتمآ با !

چنانچه آگاهی دارید ؛ حزب وطن تحت رهبری شهید دوکتور نجیب الله رئیس جمهور سابق افغانستان ، با درک رسالت و مسوولیت خویش در قبال داعیه صلح و ثبات در افغانستان و در منطقه ما :

- نخست : توافقات مؤرخ 14 اپریل 1988 میان افغانستان و پاکستان را با تضمین های ایالات متحده امریکا و اتحاد شوروی آن وقت امضا و به تمام تعهدات خود در قبال توافقات

مذکور با مسوولیت برخورد نمود ؛ آن تعهدات را رعایت کرد و تحقق بخشید . ولی جانب پاکستان علی الرغم امضای توافقات ، به تمام تعهداتش پشت پا زد و کمافی السابق به مداخله در امور داخلی افغانستان با تربیه ، تمویل و صدور تروریست های وابسته به شبکه بین المللی تروریسم - و با شرکت شخص بن لادن رهبر این شبکه در عملیات ضد افغانی - ادامه داد .

- بار دوم : حزب وطن از عملیه صلح ملل متحد مبتنی بر پلان پنج فقره یی مؤرخ 21 مارچ 1991 سرمنشی سازمان ملل و فعالیت های جناب بنین سیوان نماینده خاص سرمنشی آن سازمان ، تا آن حد حمایت کامل نمود که دوکتور نجیب الله رهبر این حزب و رئیس جمهور افغانستان به تعهد رسمی استعفايش از مقام ریاست جمهوری و قبول عدم شرکت در مذاکرات بین الافغانی و دوره انتقالی - که بخشی از این عملیه محسوب میگردد - جامه عمل پوشانید . ولی در تقابل با این عملیه ، انتقال کامل قدرت دولتی در افغانستان به «حکومت انتقالی اسلامی» توافق شده طی «اعلامیه مشترک هیئت مجاهدین ، هیئت شوروی و روسیه فدراتیف ، مؤرخ 15 نومبر 1991» مسکو ، مطرح و به سبوتاژ عملیه صلح ملل متحد منجر گردید . از همان آغاز آشکار بود که سبوتاژ عملیه صلح ملل متحد ، باوجود تعهدات داده شده ، از جانب برخی حلقات بر سر اقتدار در قدراتیف روسیه ، جمهوری اسلامی پاکستان و جمهوری اسلامی ایران سازماندهی و با بکار گیری عمال افغانی شان عملی گردید . آنها با تحریک و انسجام بغاوت شمال و گسترش آن بسوی کابل و با توسل به کودتای نظامی ، حاکمیت جمهوری افغانستان را قبل از سپردن قدرت به اداره بیطرف - که می باید مطابق این عملیه صورت می گرفت - سقوط داده و دوکتور نجیب الله رئیس جمهور افغانستان و رهبر حزب وطن را به پناه بردن به مقر نمایندگی سازمان ملل در کابل ، مجبور ساختند و به تعقیب آن ، با سبوتاژ عملیه صلح ملل ، کشور را بسوی فاجعه بزرگ سوق و مردم افغانستان را قربانی نیت و اهداف غرض آلود شان نمودند .

- بار سوم : همچنان جهانیان و مردم افغانستان در ادامه فاجعه مکرر فوق ، شاهد رویداد فاجعه بار ورود «طالبان» به شهر کابل ، در تاریکی شب پنجم میزان 1375 خورشیدی نیز بودند و بخاطر دارند که حریم مقر نمایندگی سازمان ملل درین شهر ، بر خلاف تمام معیار های قبول شده جهانی و مستند با اسناد انکار ناپذیر ، به امر جنرالان آی . اس . آی پاکستان و به وسیله گروپی از گماشتگان افغانی آنان ، مورد تجاوز قرار گرفته ، رئیس جمهور سابق و رهبر حزب وطن و برادرش جنرال احمد زی را - که مسوولیت حراست از آنان را سازمان ملل بعهده داشت - با جبر از محوطه مقر نمایندگی آن سازمان بیرون کشیده ، توأم با تحمیل شکنجه های وحشیانه ، به شهادت رسانیدند .

معلوم می شود که تا اکنون سازمان ملل ، علل و عوامل سه گانه فوق را بررسی و نتایج آن را افشا نه نموده است . مردم افغانستان ، اعضای حزب وطن و سایر نیروهای علاقمند به تطبیق عملیه صلح - که در هر سه مورد ملل متحد به آن متعهد بود - حق و توقع دارند تا از سازمان ملل بخواهند به این مسوولیت تاریخی خود بپردازد ؛ در غیر آن ما تشویش از آن داریم که نشود ؛ ذهنیت جهانی ، اذهان مردم افغانستان و قضاوت های پایدار تاریخی ، آن سازمان با اعتبار جهانی را نیز در تمام حوادث فاجعه بار سالهای اخیر کشور دخیل پنداشته ، و جاهت آن را مورد سوال قرار دهند .

جلالتماب محترم !

لازم است تذکار نمایم که حزب وطن درین دور از فعالیت سیاسی خویش نیز ، مانند گذشته با اعتقاد به فلسفه صلح و با اتخاذ سیاست های مبتنی بر بنیاد های اندیشه یی آن ، به تلاش سازمان ملل تحت رهبری جلالتماب شما جهت دستیابی به صلح و ثبات در جهان ، مبارزه علیه فقر و بی عدالتی ، باور داشته ، به داعیه آن سازمان احترام گذاشته و از آن دفاع مینماید .

در خاتمه ضمن چشم براه عکس العمل جناب عالی به مسایل مطروحه فوق ، یک بار دیگر

اظهار ارادت نموده ، موفقیت و سعادت برای جلالتمآب شما آرزو مینمائیم .

مجمع عمومی حزب وطن

کابل-افغانستان